

سندی نویافته از

مؤیدالاسلام؛ مدیر جبل المتین کلکته

علی ططری
افسانه روشن

«جبل المتین اولین جریده ای است که قریب چهل سال توانست در مقابل هرگونه انقلابات و مخطورات خارجی و داخلی سیاسی و اقتصادی بپای خود ایستاده استقامت ورزد. عده خوانندگان جبل المتین متجاوز از صد هزار از هر طبقه تاجر، عالم، کاسب، مالک کارخانجات، ارباب سیاست و رجال دولت و غیره میباشند- جبل المتین در کمتر شهر و قصبه ایست در شرق و غرب که کم یا بیش اشاعه نیابد- خصوصاً در هند، افغانستان، عرب، ایران، مصر، ترکی، انگلستان، فرانس، آلمان، آمریکا، چین، ژاپون، سیام و غیره. موزونترین و مفیدترین وسیله برای اعلان دهندگان صفحات جبل المتین است، اعلان بهر زبان که باشد فارسی، عربی، اردو، بنگالی، انگلیسی، فرانسیسی، آلمانی، روسی، اشاعه تواند یافت. با این همه مزیت، اجرت اعلان در جبل المتین خیلی کم و بقرار ذیل است...»

با تورق سال های پایانی روزنامه جبل المتین چاپ کلکته، این اعلان و اعلاناتی مشابه را در برخی شماره هایش می توان یافت که نشان می دهد مؤیدالاسلام مدیر این روزنامه در سال های پایانی حیات خود و روزنامه اش با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می کرده است. اگرچه سخنان فوق در مورد اهمیت جبل المتین بیراه نیست، اما مشکلات مالی آن را که در نظر آوریم، درمی یابیم مؤیدالاسلام این مقدمات را می چیند تا خوانندگان را برای درج آگهی در روزنامه اش تشویق و ترغیب کند؛ شاید درآمد آن کمکی در حل مشکلاتش باشد.

مشکلاتی که در پایان عمر گریبان مؤیدالاسلام را گرفت نکته ای است که این مقاله با توجه به سندی که دربردارنده نامه مؤیدالاسلام در سال های پایانی حیاتش به مجلس شورای اسلامی است، بدان

می پردازد. اما لاجرم باید به عنوان مقدمه نگاهی به سرگذشت مؤیدالاسلام و روزنامه اش از آغاز انتشار داشت. بدین منظور شاید بهترین مرجع همان روزنامه حبل المتین باشد که همه اطلاعات لازم در این خصوص را در خود گنجانده است.

هفته نامه حبل المتین طی دوره ای سی و هشت ساله از ۱۲۷۲ تا ۱۳۰۹ خورشیدی به مدیریت سیدجلال الدین کاشانی در کلکته به چاپ رسید. سیدجلال الدین فرزند حجت الاسلام آقا سید محمدرضا کاشانی از علمای کاشان بود. وی پس از رحلت پدر در اصفهان به تحصیل علم پرداخت و پس از آن در سامره نزد حجت الاسلام حاجی میرزا محمدحسن شیرازی درس خواند. پس از آن شوق سیاحت در سرش افتاد و بسیاری شهرها را گشت، تا اینکه سرانجام در کلکته ساکن شد.^۲

در سال ۱۳۱۱ق مؤیدالاسلام، سیدجمال الدین اسدآبادی و میرزا ملکم خان طی مکاتباتی به این نتیجه رسیدند که ایرانیان به انقلابی فکری نیازمندند که جز از طریق جراید آزاد امکان نمی یابد. این هم فکری و هماهنگی، انتشار حبل المتین در کلکته به مدیریت مؤیدالاسلام و قانون در لندن به مدیریت میرزا ملکم خان را موجب شد.^۳

استاد وحید دستگردی در سروده ای که به مناسبت خدمات مؤیدالاسلام یکبار مقارن با حیات وی و بار دیگر در سال ۱۳۴۶خ در مجله ارمغان به چاپ رساند، آغاز به انتشار حبل المتین را چنین یادآور می شود:

در آن زمان که نبود از جریده نام و نشان	شمیم این گل نشنیده بود هیچ مشام
ز نامه نامی اگر بر زبان کس رفتی	چو خامه گردن دادی بتیغ خون شام
بسیج نامه حبل المتین جلال الدین	بکرد و خامه بیازید تیغ وش ینام
بدین سلیح متین ساز کزد برگ نبرد	گریخت خصم زمینان چو روبه از ضرغام
صلای(فاعتصموا کافه بحبل الله	ولانفرقوا) اندر زمانه کرد اعلام
دمید نفخه صور و همه عظام رمیم	شدند زنده و گفتند سروران عظام
ز خامه نامه مشک ختا بنامه فشانند	نکرد اگرچه چهل سال در خطا اقدام ^۴

حبل المتین بزرگترین روزنامه برون مرزی فارسی زبانان است که تاکنون ایرانیان در خارج از کشور چاپ کرده اند. از نکات بارز و قابل ذکر این جریده پرداختن به موضوعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شبه قاره هند، افغانستان و همچنین امور اداری ایران حتی تا دورترین نقاط ولایات است. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که: «طی دو قرن عواملی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تأسیس و ایجاد نشریات فارسی زبانان خارج از کشور در قاره آسیا و منطه قفقاز نقش داشته اند به ترتیب عبارتند از: انگلیسی ها، هندی ها، مهاجران ایرانی، افغان ها و تاجیک ها و در کنار آن ها نباید نقش مراکز دولتی و غیردولتی، مؤسسه ها و سازمانهای بین المللی که سهمی هر چند کوچکتر در انتشار نشریات فارسی زبان بر عهده داشته اند را فراموش کرد.»^۵

اما هفته نامه جبل المتین کلکته را که در طی نزدیک به چهل سال فعالیت به تقابل با حکومت های متنوع استبدادی پرداخت، باید در کدام گروه دسته بندی کرد و شامل کدام شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باید دانست.

زهره شجیعی در خصوص جبل المتین می نویسد: جبل المتین علاوه بر اینکه حاوی اخبار داخلی ایران و اخبار سیاسی و اقتصادی ممالک غربی بود، به طرق مختلف از اوضاع اجتماع ایران انتقاد می کرد و با نشان دادن پیشرفت های ممالک غربی و متمدن اثبات می کرد که پیشرفت ایران در استقرار حکومت قانونی و اخذ تمدن غربی است.^۶

به تعبیر ادوارد براون «اداره این روزنامه در نتیجه عمر طولانی و خصوصیات ترقی خواهانه ثابت و استوار، ناشر مطبوعات متعدد دیگر و بانی مؤسسات (مفیدی) بوده است، از جمله کتب سودمند و گوناگون فارسی که به وسیله مطبعه جبل المتین با چاپ سریبی طبع و انتشار یافته است و نیز روزنامه های فارسی مفتاح الظفر، آزاد و ملک و ملت به انگلیسی که همگی در کلکته به وسیله جبل المتین بوجود آمده است»^۷.
با به ثمر نشستن مبارزات مشروطه خواهی نیز جبل المتین تهران و رشت توسط سیدحسن کاشانی، برادر مؤیدالاسلام از ۱۵ ربیع الاول سال ۱۳۲۵ تا جمادی الثانی ۱۳۲۷ق به چاپ رسید؛ اما این روزنامه ها هرگز شهرت و اهمیت جبل المتین کلکته را نیافتند. شهرت و اهمیت کم نظیر جبل المتین کلکته و راز دوام و ماندگاری آن را باید در عوامل زیادی همچون تأثیرگذاری آن جستجو نمود:

از مهمترین دلایل این تأثیرگذاری را می توان پیوستگی جبل المتین در انتشارش عنوان کرد؛ به طوری که طی سی و هشت سال جز زمانی هایی که در توقیف به سر می برد و یا مشکلات مالی در میان بود، به طور مداوم به چاپ رسید. شماره های جبل المتین عمدتاً ۲۴ صفحه داشته، اما زمانی که به چنین مشکلاتی بر می خورد به ۸ صفحه نیز می رسید که در شماره های اندکی چنین بوده و اکثر شماره های آن دارای ۲۴ صفحه می باشند. احتمالاً در زمان مواجهه با چنین مشکلاتی نیز بوده که اخبار را در ۳ ستون، با قلمی ریز و نامناسب و با کیفیتی پایین ارائه نموده است. مسأله دیگر در خصوص شکل ظاهری جبل المتین سربرگ روزنامه در نخستین صفحه است که همیشه به یک شکل نبوده و تفاوت هایی گاه جزئی داشته اند، هرچند برخی از آنان در شماره های زیادی تکرار شده است که به عنوان نمونه در پایان ارائه خواهد شد. هفته نامه جبل المتین تا آخرین روزهای انتشار، کیفیت علمی و شکل ظاهری خود را حفظ کرد و حتی تعداد صفحات آن نیز کاهش نیافت و به عنوان شاهکاری در تاریخ جراید ایران جاودانه شد.

در خصوص میزان تأثیرگذاری جبل المتین در یکی از شماره های آن یکی از ایرانیان مغرض در هشدار از خطر جبل المتین برای سفیر آلمان و در پاسخ به این سؤال او که آیا مردم توجهی به نگارشات آن دارند، چنین حکایت می کند: «... شاهد بر این عنوان آنکه شب جمعه گذشته در کالسکه بزیارت حضرت عبدالعظیم میرفتم، بین راه دیدم جلو قهوه خانه مردم ازدحام نموده اند؛ کالسکه چی را گفتم تأمل کن ببینم چه خبر است... دیدم درویشی اخبار جبل المتین را در دست گرفته و یکی از مقالات وطنیه آن را بوضع روضه خوانان باواز بلند میخواند و مترددین دور او را گرفته بعضی تنباکی و برخی بر جهالت و فقر و مذلت.

ابنای وطن حقیقتاً گریه میکردند. از مشاهده این حالت رقت بر من هم دست داد؛ قهوه چی را طلب کردم که این چه وضع است؟ گفت من آدم بی سواد هستم، عمومی داشتم؛ در همین قهوه خانه درویشی را مقرر نموده بود که قصه حسین کرد میخواند و خلق بکثرت میآمدند. قهوه خانه رواجی داشت. این زمان گوش مردم از آن حکایات پر شده، هفته یکمرتبه میروم بطهران یک نسخه اخبار جبل المتین میخرم و مخارج این درویش را هم متحمل میشوم که از صبح تا شام اخبار را بلند بخواند. عابرین بشوق استماع نگارشات اخبار و اطلاع از اوضاع عالم دور او جمع میشوند، باین بهانه رونقی در کار من پیدا میشود. از وقتی که این فن را اختیار کرده ام دخل من یک بر ده شده است.»^۹

از دیگر دلایل این تأثیرگذاری و جذابیت کم نظیر جبل المتین احاطه مدیر آن بر علوم و فنون مختلف روزگار خود بود که باعث درج مقالات جذاب و خواندنی وطنی هم از سوی مؤیدالاسلام و هم از سوی افراد آگاه و بادانش آن دوران می شد که مشکلات دولت و ملت را با قلمی تند و بی پروا پیش روی خوانندگان قرار می داد. همچنین در مکتوب یکی از خوانندگان جبل المتین، این نکته که این روزنامه مبادرت به چاپ مقالات سایر صاحب نظران نیز می کند، نقطه قوت و برتری آن بر سایر جراید معرفی شده است: «... مشاهده نمیکنید روزنامه مقدس جبل المتین را که صفحات شریفه اش امروزه جولانگاه خیالات عامه دانشمندان ملت ایرانیه می باشد. سبب افضلیت جبل المتین بر سایر جراید فارسیه همین نکته است و بس. اگر تمام جرائد فارسیه نیز این شیوه را پیش گرفته، روزنامه ملی را نامه شخصی نسازند و نگارشات دانشمندان ملت را بنظر حقارت نه بینند و مکتوبات و مرسولات ایشان را جزو باطلات نیندازند، هر آینه مقام منبع اخبارات وی را یافته (هم منتفع شوند و هم نیکنام هم^{۱۰}). شواهدی در جبل المتین وجود دارد که نشان می دهد مؤیدالاسلام خود اطلاع و آگاهی دقیقی از مقتضیات زمان داشته و اینکه پیرامون مسائل و رخدادهای مختلف به بحث نشست، آنگاه تحلیل خود را در روزنامه ارائه می دهد.»^{۱۱}

تحلیل های مؤیدالاسلام از اوضاع ایران و راهکارهایی که ارائه می کرد، در مقالات متعدّدش در جبل المتین انعکاس یافته است. نظرات وی محدود به مقالات اختصاصی خودش نبود؛ بلکه وی زمانی که ترجمه قسمت هایی از روزنامه های خارجی را درج می نمود و یا مقالات خوانندگان روزنامه را تحت عنوان مکتوب می آورد، تقریظی بر آن می زد و نکاتی متذکر می شد. همچنین زمانی که شرح وقایعی که وقایع نگاران جبل المتین از نقاط گوناگون به اداره می فرستادند را چاپ می نمود، به بررسی و تحلیل آن می پرداخت.

مقالات مؤیدالاسلام همواره مبتنی بر رویکردی وطن خواهانه بود. او دلسوزانه دردهای وطن را بازگو می کرد و مشفقانه سعی می کرد راه درمانی نیز یافته و آن را مطرح کند. این مشی مؤیدالاسلام نقش زیادی در آگاهی و بیداری جامعه قاجار ایفا کرد و نظر به همین خدمات دولتی و ملتی بود که مظفرالدین شاه همواره وی را مورد لطف و توجه خود قرار می داد؛ هرچند توجه مظفرالدین شاه به مؤیدالاسلام و روزنامه اش ارتباط زیادی نیز با سیاست های صدر اعظم وی داشته است. به طوری که یک بار ورودش به ایران به مدت ۴ سال توسط اتابک، ممنوع شد.^{۱۲} بررسی جبل المتین نشان می دهد که این روزنامه

و مدیرش عمدتاً مورد توجه و لطف مظفرالدین شاه بوده اند. نکته جالب توجه آنکه «مؤیدالاسلام»، که سیدجلال الدین کاشانی بدان نام شناخته می شود، لقبی است که مظفرالدین شاه با توجه به خدمات دولتی و ملتی مؤیدالاسلام به وی اعطا نمود.^{۱۳} همچنین شاه، جبل المتین را به لقب روزنامه مقدس سرافراز نموده و مدیر او را به یک قبضه عصای مرصع مفتخر نمود.

مؤیدالاسلام خود ادعا می کند که «تاکنون بزبان فارسی بلکه بلغت آسیایی هیچ یک از جراید با این همه موانع و عوائق خارجی و داخلی چون (روزنامه مقدس) جبل المتین از عهدۀ وظایف دنیا و دین - و خدمات بملل و دول مسلمین برنیامده، یکتای بی نیاز را ملیونها شکر - که زحمات هیچ اخبارنگاری نیز چون خدمات مدیر جبل المتین مقبول پیشگاه شخص اقدس مقدس ملوکانه - و مرغوب خاطر عامۀ رؤسای روحانی ملل اسلامی نه او فتاده»^{۱۴} در ادامه وی «سواد فرمان جهان مطاع همایونی» در این خصوص را در جبل المتین درج می کند.

بی پروایی جبل المتین در نگارش مقالاتی تند و گزنده جذابیت و تأثیر آن را دوچندان می کرد که این امکان تا حد زیادی معلول عنایت مظفرالدین شاه در اعطای آزادی قلم به جبل المتین بود.^{۱۵} همچنین مؤیدالاسلام در چندین مورد از اعطای مستمری از سوی مظفرالدین شاه به روزنامه اش را خبر می دهد که نه تنها در حمایت از جبل المتین بلکه به جریده مفتاح الظفر وی نیز تعلق گرفته است؛^{۱۶} تا سعی بیشتری در خدمت به دولت و ملت نماید.

خدمات بی شائبه مؤیدالاسلام نه تنها ایران بلکه جهان اسلام را نیز شامل می شد. از اهداف مورد تعقیب روزنامه او، اتحاد اسلام و ایجاد وحدت میان شیعه و سنی را می توان نام برد. این موضوعات بخش اعظمی از مطالب جبل المتین را به خود اختصاص می داد و بنا بر اظهار همین روزنامه تا حد بسیار زیادی موفق نیز بوده است.^{۱۷} همین مسئله باعث می شد جبل المتین از حمایت سلطان عبدالحمیدخان عثمانی که او نیز قویاً اندیشه اتحاد اسلام در سر داشت، برخوردار گردد.^{۱۸}

از دیگر کسانی که جبل المتین را مورد حمایت مالی خود قرار داد، حاج زین العابدین تقی اف از تجار سرشناس و فرهنگ دوست باکو بود. وی هر ساله نسخ زیادی از جبل المتین را برای علما آبونه می کرد و نقش زیادی در گسترش این روزنامه ایفا نمود. در جبل المتین نیز از این شخصیت به نیکی یاد شده و همواره خدماتش مورد ستایش واقع شده است.^{۱۹} کسروی نیز در تاریخ مشروطه خود حمایت تقی اف از جبل المتین را یکی از عوامل رواج آن عنوان می کند: «یکی از چیزهایی که مایه رواج آن {جبل المتین} گردید این بود که حاجی زین العابدین تقی اف پول بسیاری فرستاد که روزنامه به علمای نجف و دیگر جا، بی پول فرستاده شود.»^{۲۰}

اما چنین به نظر می رسد که مؤیدالاسلام و روزنامه وزینش در سال های پایانی حیات، حامیان مالی خود را از دست دادند. این مسئله مشکلات مؤیدالاسلام را مضاعف نمود. البته او در سال های آغازین چاپ جبل المتین نیز با چنین مشکلاتی مواجه بود؛ از آن روی که در برخی شماره ها حتی نام کسانی که آبونه خود را پرداخت نمی کردند را تحت عنوان «ببدگان و ناهندگان اخبار» چاپ می کرد،^{۲۱} اما بغرنجی

مشکلات سال های پایانی حیات وی از آن جهت است که با مشکلات جدیدی، ناشی از حضور وی در کشوری تحت الحمايه انگلیس مصادف شد.

البته مؤیدالاسلام که احتمال می داد بر اثر عداوت برخی مغرضین در مظان اتهام باشد، در یک شماره، هوشمندانه سعی نمود در مورد فعالیت و توطئه علیه انگلیس، از خود رفع اتهام کند: «هرگز مقصود ما اختلاف انداختن میانه دولتین ایران و انگلیس و ترک اتحاد و دوستی قدیمه این دو دولت بزرگ نبوده و نیست. چنانچه در همان مقالات کراراً نوشته ایم ما را از معاملات گذشته بحث نیست، مقصود حفظ آینده است. شاید در جوشش محبت و همدردی وطن و ابنای وطن اندک قلم تند رفته باشد. اینک چندیست خبر موثق می شنوم که کورنمنت عالیہ یا از بیدارمغزی و هوشیاری خود یا از فتنه مفسدین درصدد و تدارک شناختن دبیر جبل المتین و کردار و افعال او که آیا منافی با صلح جویی و صلاح خواهی عامه است یا نه... اکنون {مؤیدالاسلام} سه سال است بنگارش اخبار جبل المتین مشغول میباشد. درین مدت قیام هند و سایر بلدان احدی نمیتواند بیان نمود که در آسایش عمومی خلل انداخته یا درصدد اختلاف دول متحابه برآمده باشد و یا آنکه اغراض وی افساد و فتنه انگیزی میانه دول و ملل است و این وقت در هندوستان زاید بر ده هزار نفر بر افعال و کردار و چگونگی حال وی واقف اند که سوای صلح اندیشی و خیرخواهی نوع بشر مقصود دیگری نداشته و ندارد. علاوه بر این در صورتیکه او دعوی وطن پرستی در مقالات خود می نماید، چه گونه عقل سلیم حکم میکند که متزعزع و خلل انداز در اتحاد قدیمه دولتین ایران و انگلیس - و حال آنکه اتحاد دولت انگلیس دولت ایران را مفاید کلی دارد و دیگر آنکه شخص عاقل مشت خود را بر درفش نمیزند. شخص مسافر آنها در دولت خارجه چه قدرت و نیرو دارد که بر خلاف دولت جلیل هوشیاری مثل دولت انگلیس باشد. با اینکه در تحت حمایت و رعایت دولت فخریه انگلیس در هندوستان نهایت آسایش و راحت دیده ایم - شخص دانا برخلاف آسایش و راحت خود برنمیآید.»^{۲۳}

با نگاهی بر مقالات جبل المتین نمی توان منکر شد که مشی مؤیدالاسلام در تمام سال های انتشار جبل المتین روشنگرانه، ضداستعماری و بیگانه ستیزانه بوده و به همین دلیل بود که یک بار در هند چاپ آن به مدت ۸ سال ممنوع شد.^{۲۳} او حتی با وجود این محدودیت ها نیز دست از بیگانه ستیزی برنداشت؛ در یکی از شماره های جبل المتین می نویسد: «... وظیفه ما گفتن است، اگر چه میدانیم شنیده نخواهد شد؛ بلکه برای نشنیدن این سخنان بود که در ایران جبل المتین را توقیف نمودید و برای بلند نشدن همین صداها بغلت فارسی است که سعی مینمایید در کلکته نیز اداره جبل المتین مسدود شود. همیشه گفته و باز هم میگوئیم، در آینده نیز توفیق گفتن از خدا میخواهیم...»^{۲۴}

با توجه به سند ارائه شده در این مقاله، در سال ۱۳۰۵خ دستور تبعید مؤیدالاسلام از هندوستان توسط دولت انگلیس صادر شد.

روزنامه فوروارد کلکته در این مورد چنین می نویسد: «اخیراً کس دیگری بطومار طویل قربانیان امپریالیستی انگلیس اضافه گردید، سیدجلال الدین ناشر روزنامه «جبل المتین» در کلکته مجبور شده است جریمه وطن پرستی غیرقابل تردیدش را بپردازد. حوادثی که او را مجبور کرده است از طبع روزنامه اش



خودداری نماید و سواحل هند را ترک کند، یک شعاع مظلوم و تیره باصول بوروکراتیک هند می اندازد.^{۲۵} روزنامه «جرنیک» اطلاعات جزئی تری از این رخداد به دست می دهد: «...همین وطن پرستی آشکار اوست که بزرگترین گناه او نزد انگلیسی ها شده است. سیدجلال الدین یگانه عنصر وطن پرست هر قسم حکم و اجحافات را بر منافع غیرمشروع و هتک احترام و آبرو ترجیح می دهد. دولت انگلیس ابداً جایی برای این قبیل خارجی ها ندارد و به تشبیت بقانون ۳-۱۸۶۴ او را تهدید به مهاجرت نموده و از بذل هیچگونه قوای خارق عادت به بوروکراسی برای اخراج هر خارجی که برخلاف مشی آنها حرفی بزند خودداری نخواهد کرد.»^{۲۶}

در سال ۱۹۱۵م نیز قانون «تحفظ هندوستان» از سوی انگلیس به تصویب رسید که محدودیت هایی برای مؤیدالاسلام و کسانی که متهم به فعالیت علیه انگلیس بودند، ایجاد می کرد. در یکی از شماره های حبل المتین، مؤیدالاسلام به این موضوع اشاره نموده و ذکر می کند که مشکلات مالی اش دارد که سال ها قبل از تبعیدش آغاز شده بود: «...مشکلات این اداره ملی در سال گذشته و روان به اندازه بوده و هست که درسنوات قبل نه بوده و علت هم همانا جنگ کنونی است، از همه بالاتر چون دولت علیه عثمانی هم شمولیت به این جنگ نموده، نگرانی از عموم جرائد اسلامی خاصه حبل المتین بیش شده... علاوه بر این مشکلات مالی که در سال گذشته و روان بواسطه این جنگ عمومی به این اداره ملی وارد آمده بیش از قوه یک اداره معارف اسلامی است و ما محض اینکه مشترکین واقف به مشکلات صوری و معنوی این اداره ملی بشوند به دو نکته اشاره می کنیم: اول- ملاحظه قانون جدید تحفظ هندوستان...دویم- بطریق اجمال میگوئیم که در سال گذشته و روان بواسطه این جنگ پنجاه هزار روپیه اداره حبل المتین کسر عایدات داشته...»^{۲۷}

مشکلات مؤیدالاسلام در آخرین سال های حیاتش در شماره پایانی سال سسی و هفت حبل المتین نیز انعکاس یافته است: «... در این سال روان بواسطه مشکلاتی که از هر طرف به اداره روی نموده بود، کارکنان این نامه ملی کما یلیق نتوانسته از عهده وظایف خویش بیرون آیند و از این رو حبل المتین از ترتیب افتاده، غالب دو شماره یک مرتبه قوام انتشار می یافت...»^{۲۸}

این گزارش نشان می دهد که مشکلات مالی حبل المتین از سال ها قبل از دستور تبعیدش آغاز شده بود؛ اگرچه مؤیدالاسلام خود دلایل تبعیدش را ذکر نکرده، اما می دانیم که با مشکلات مالی همراه گشته و شرایط سختی برای وی ایجاد نمود. به طوری که طبق سند ناچار به درخواست کمک و مساعدت از دولت وقت ایران شد و آرزوی بازگشت به وطن را نمود.

مؤیدالاسلام چند روز پس از ارسال نامه به مجلس شورای ملی در ۲۲ مرداد ۱۳۰۵خ در مورد توأم شدن مشکلات مالی اش با احتمال تبعیدش از هند سخن می راند: «آوازه های همدردانه که این ایام در موضوع اخراج ما از تمام هند بلند گردیده مصادف آمد با تعویق اشاعه حبل المتین و این امر یک گونه سبب یأس و حرمان شائقین این نامه ملی گردیده، لذا لازم دانستیم که برای اطلاع قارئین محترم اشاره به علل تعویق اشاعه حبل المتین نموده باشیم. به تعقیب خساره ای که از انسداد حبل المتین در موقع جنگ پیش آورده

و شرکت حبل المتین را در هم شکستند، دویست هزار روپیه نقصان به ما وارد آمد و همان ایام بتوسط قونسول جنرال دولت متبوعه خود آقا میرزا داود خان مفتاح السلطنه کفیل کنونی وزارت خارجه دولت علیه از حکومت هند تاوان طلب نمودیم. ولی چون این مطالبه باصول پلنتیکی بود و ما دولتی که بتواند حقوق رعایای خود را حفظ کند نداشتیم، از جواب نفی ناچار بسکوت آمده، بوقت موقع خود گذاردیم و در اثر همان خساره مقروض شدیم و از چندی باین طرف مسئله حراج عمارات مطبعه و اداره حبل المتین و خانه مسکونه در مقابل قروض ما در بین آمد...»^{۴۹}

چنین شرایط سختی مؤیدالاسلام را بر آن داشت تا برای مجلس شورتی ملی نامه ای ارسال داشته و تقاضای کمک و مساعدت نموده تا مقدمات بازگشتش به وطن فراهم شود. البته در حبل المتین به مسئله بازگشت او به ایران اشاره ای نشده و این نکته در اسنادی که خواهد آمد ذکر شده است.

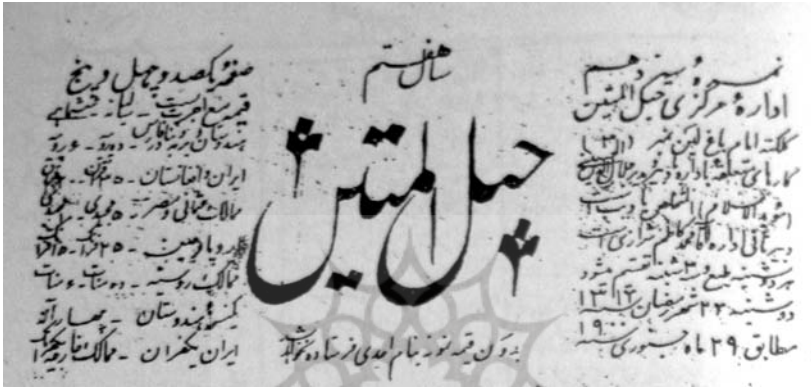
سرانجام مؤیدالاسلام ۴ سال پس از درخواست مساعدتش از مجلس شورای ملی، پس از ۴۲ سال دوری به وطن بازگشت. وطنی که سال ها برایش خون دل ها خورد و در پایان عمر آرزوی بازگشت به آن داشت. مؤیدالاسلام که در سال های پایانی حیات بینایی اش را از دست داده بود، در ۱۹ آذر ماه ۱۳۰۹خ در کلکته در دفتر کار خود دچار حمله قلبی شد و چند روز پس از آن وفات یافت.^{۳۰} جسد مؤیدالاسلام آنگونه که خود خواسته بود یک سال بعد با مساعدت دولت، توسط دخترش فرخ سلطان به ایران انتقال یافت^{۳۱} تا در خاکی که تمام آن سال ها برای آزادی و اعتلایش فریادها سر داده بود، بیآرامد.

با توجه با مقتضیات سیاسی، حبل المتین و مدیرش دوره پر فراز و نشیبی را طی نمودند. این آخرین شکایت مؤیدالاسلام در حبل المتین است؛ از رنجی که طی چهل سال بر وی رفت: در یکی از آخرین شماره های حبل المتین مربوط به تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۰۹خ یعنی یک ماه و اندی قبل از وفاتش اینگونه آورده است: «...سال جاری علاوه بر مشکلات سیاسی که همواره تصادفش با این نامه ملی لازم و ملزوم افتاده، انقلابات هند نیز که تالی آن را تاریخ نشان نمی دهد؛ بالتبع کارکنان حبل المتین را هم در فشار نگاه میداشت. مزید بر علت تبدلات اسعار در ایران هم تزییقات دیگری را برای ما ایجاد نمود.»^{۳۲}

بررسی حبل المتین نشان می دهد که مؤیدالاسلام طی حدود ۴۰ سال، در راه وطن رنج ها و مشقات فراوانی را به جان خرید و خصوصاً در سال های پایانی حیاتش رنجی مضاعف برد؛ اما با وجود خدمات شایسته مؤیدالاسلام به وطن و فرزندانش، شناختی آن گونه که شایسته اش باشد، صورت نپذیرفت و خدماتش چنان که می بایست خصوصاً در زمان حیاتش ارج نهاده نشد. مؤیدالاسلام نیز به سرنوشت مردان بزرگی دچار شد که در طول حیات خود شناخته نشدند و تنها مرگشان تلنگری بود برای درک قدر و ارزششان:

اگرچه قدر تو مجهول مانده در ایران
شدند فردا بیدار چون ز خواب گران
شگفت نیست که الناس فی الزمان نیام
برند سجده ترا همچو کعبه را اسلام^{۳۳}

نمونه هایی از سربگ های حیل المتین از شماره های مختلف



پیام بهارستان / ش ۲، س ۲۰۵، ۲۰۶ / پائیز ۱۳۸۸

اگرچه اسناد حاضر اطلاع دقیقی از نحوه پاسخ به درخواست مؤیدالاسلام نمی دهند، اما این گزارش از حبل المتین نشان می دهد که دولت پهلوی مؤیدالاسلام را مورد لطف و مساعدت خود قرار داده است. ضمن اینکه می دانیم پس از مرگش نیز با مساعدت دولت انتقال جسدش به ایران صورت گرفت. اما در رابطه به اینکه چرا مؤیدالاسلام با وجود امکان بازگشت به ایران، تا پایان حیات در هند باقی ماند، می توان به شماره دیگری از روزنامه خود او مراجعه نمود. وی در شماره ۲۲ سال ۳۴ به تاریخ اول آذر ماه ۱۳۰۵ خ به این نکته از قول «مستر دینیز بری» نماینده حکومت اشاره دارد که «من باعضای محترم شورای ایقان می دهم که مدیر حبل المتین ولو هر چه کرده باشد، حکومت هند او را تبعید نخواهد نمود.»^{۳۵} «دلیل این انصراف انگلیس از تبعید مؤیدالاسلام واکنش شدید مسلمانان هندوستان و همچنین جراید هند و حتی جراید نیمه رسمی انگلستان می تواند باشد که در حبل المتین بدان اشاره شده است.»^{۳۶}

بازخوانی ادامه این گزارش در حبل المتین نشان می دهد که مدیر دل آزرده حبل المتین پس از رفع تهدید به تبعیدش، فرصت را غنیمت شمرده و با فراغ بال برای دیدن دوستان و آشنایان عازم بمبی شد. در آنجا از آقا میرزا اسدالله خان بهنام و بازمحمدخان «قنسول جنرالان» ایران و افغان که در موقع تبعید به تهدید، او را به پناهندگی دعوت کرده بودند، تشکر کرد. مؤیدالاسلام در ۲۵ اکتوبر بمبی را وداع گفته و به کلکته بازگشت.

سند شماره ۱

{نامه مؤیدالاسلام به مجلس شورای ملی}

حبل المتین

اهری پوکرود بالینگج

کلکته

نمره

الی طهران

حضرت اشرف رئیس مجلس شورای ملی دام اجلاله

افوش امری الی الله چنان تصور میروید که از قصد و اراده حکومت هندوستان و اولیاء دولت انگلستان در اخراج مدیر حبل المتین پس از چهل سال توقف در هند مسبوق گردیده اند و بهترین کشف حقیقت همانا سواد مراسلاتی است که از دو سال به اینطرف بین مدیر حبل المتین و حکومت هند را در این داشته. از این رو عین آن مراسلات و قطعات برخی از جرائد مهمه که در اطراف این مسئله قلم فرسائی نموده ایفا می گردد و سپس هم پیش آمد و به دفعات تقدیم خواهد داشت تا هر اقدام را که مقتضی دانسته معمول فرمایند خدمات وطنم را خواهانم.

{حاشیه سمت راست}

مدیر حبل المتین

از کلکته

۲۰ ورقه سواد انگلیسی مشروحه در مراسله منظم است.

سند شماره ۲

{ جوابیه وزیر امور خارجه به مجلس شورای ملی }

{ نشان تاج و شیر و خورشید }

وزارت امور خارجه، بتاريخ ۱۲ مهر سنه ۱۳۰۵، نمره ۱۵۶۰۱ ضمیمه ندارد

اداره: اول سیاسی

مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه

در جواب مرقومه محترمه مورخ ۱۲ شهر جاری نمره ۹۰۹ مزاحمت می دهد چندی قبل بموجب تلگراف واصله از جنرال قونسولگری ایران در هندوستان معلوم شد دولت انگلیس آقای سیدجلال الدین مدیر جریده حبل المتین را امر به خارج از خاک هند نموده و بعلت عدم استطاعت مساعدت و کمک دولت را خواستار شده است. پس از مراجعه بدفتر مخصوص شاهنشاهی بموجب جواب نمره ۶۱۸۹ اجازه عزیمت ایشان به طهران تلگرافاً بجنرال قونسولگری هندوستان اعلام گردید ولی دایر به مساعدتی که درخواست نموده بود تعیین تکلیف از طرف قرین اشرف اعلیحضرت همایونی نشده است و ممکن است بهیئت دولت مراجعه فرمایند

امضا علیقلی {انصاری}

مهر وزارت امور خارجه

{ حاشیه سمت چپ }

سواد مراسلات مدیر حبل المتین با توضیحات وزارت خارجه بریاست وزراء عظام مراجعه شود و ارسال که تصمیم قطعی در آسایش خاطر مشارالیه بعمل آورده و نتیجه را زودتر ارسال دارند که جواب مشارالیه از طرف مجلس صادر شده باشد.

محمد ابراهیم اهری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۳

{ نامه مجلس شورای ملی به ریاست وزرا جهت رسیدگی }

{ نشان تاج و شیر و خورشید }

مجلس شورای ملی

اداره تقنینیه

دائر دارالانشاء

نمره ثبت کل ۱۹۷۰، تاریخ تحریر ۱۷ آبان، تاریخ ارسال ۱۳۰۵/۸/۹

ریاست محترم وزراء

بقرار شرحی که مدیر روزنامه حبل المتین کلکته تظلم نموده و سواد آن جوقاً ملاحظه میشود برحسب

امر اولیاء دولت انگلستان او را در هندوستان تبعید نموده اند و بر طبق توضیحات جوابیه که از وزارت امور خارجه رسیده مراتب را جنرال قنسولگری مراسله نموده هندوستان نیز به وزارت خانه مذکور بضمیمه تقاضای مساعدتی که مشارالیه برای عزیمت ایران نموده است اطلاع داده و اجازه عزیمت او صادر و ابلاغ شده لکن موضوع مساعدتی را که خواستار شده است محتاج {ناخوانا} تصمیم از طرف اعلیحضرت همایونی داشته اند. برای تعیین تکلیف عارض مشارالیه و ایراد جواب متمنی است از قراری که نسبت بانجام مسئول عارض داده خواهد شد مجلس شورای ملی را زودتر آگاه فرمائید.

{امضاء} طوسی

پی نوشت‌ها:

- ۱ - حبل المتین کلکته، سال ۳۸، شماره ۴، ص ۲۴؛ همچنین سال ۳۸، شماره ۱، ص ۱. در اعلانی مشابه مربوط به سال ۱۳۳۲ عنوان می شود که این روزنامه تا به حال به دلایلی کمتر قبول اعلانات می نمود و حال برای اشاعه هرگونه اعلانات با اجرت مناسب حاضر گردید. سال ۳۲، شماره ۴، ص ۲۴ و همچنین در برخی شماره های دیگر در همان سال.
- ۲ - حبل المتین، سال ۳، شماره ۵، ص ۵.
- ۳ - صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، اصفهان، کمال، چ دوم، ۱۳۶۳، ص ۲۰۰.
- ۴ - وحید دستگردی، محمد: حبل المتین، ارمغان، دوره سی و ششم، آبان ۱۳۴۶، شماره ۸، ص ۳۹۸.
- ۵ - جعفری، مهدی، خانقاه، دو قرن با مطبوعات فارسی زبان خارج از کشور در قاره آسیا، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳، ص ۱۱.
- ۶ - شجیعی، زهرا، نمایندگان در بیست و یک دوره قانونگذاری، ج ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴، ص ۴۳.
- ۷ - براون، ادوارد، تاریخ ادبیات و مطبوعات ایران در دوره مشروطه، ترجمه محمد عباسی، تهران، معرفت، ۱۳۳۷، صص ۶-۳۳۴.
- ۸ - رابینو، ه. ل.، روزنامه های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ه. ق.، ترجمه و تدوین جعفر خمami زاده، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱.
- ۹ - حبل المتین، سال ۷، شماره ۲۲، ص ۸.
- ۱۰ - حبل المتین، سال ۷، شماره ۴۵، ص ۶.
- ۱۱ - به عنوان مثال نک: مقاله مؤیدالاسلام تحت عنوان «مقتضیات زمان» در حبل المتین، سال ۱۳، شماره ۳۱، صص ۴-۱. وی زمانی که به تحلیل مقاصد لرد کرزن از مسافرت به خلیج فارس می پردازد نیز ادعان می دارد که با وقایع نگاران حبل المتین در این خصوص به بحث نشست است. نک: حبل المتین، سال ۱۱، شماره ۱۱، ص ۱.
- ۱۲ - صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۴؛ همچنین مجله خواندنیها، سال ۳۷، شماره ۳۱، ص ۴۱.

- ۱۳ - حبل المتین، سال ۹، شماره ۱۵، ص ۲۰.
- ۱۴ - حبل المتین، سال ۷، شماره ۲۹، صص ۴-۱.
- ۱۵ - حبل المتین، سال ۷، شماره ۲، ص ۲۳.
- ۱۶ - حبل المتین، سال ۵، شماره ۷، ص ۷۳.
- ۱۷ - حبل المتین، سال ۴، شماره ۲۸، ص ۳۳۲.
- ۱۸ - حبل المتین، سال ۵، شماره ۱۴، ص ۱۵۷.
- ۱۹ - حبل المتین، سال ۷، شماره ۳۸، ص ۱۸.
- ۲۰ - کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، صدای معاصر، ص ۹۵.
- ۲۱ - حبل المتین، سال ۳، شماره ۳۵، ص ۲.
- ۲۲ - حبل المتین، سال ۳، شماره ۲۴، صص ۵-۴.
- ۲۳ - محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۴.
- ۲۴ - حبل المتین، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۲۱-۱۸.
- ۲۵ - مجله خواندنیها، سال ۳۷، شماره ۳۰، ص ۴۲.
- ۲۶ - همان.
- ۲۷ - حبل المتین، سال ۲۳، شماره ۱، ص ۱؛ متن این قانون در سال ۲۲ ف شماره ۴۴ حبل المتین در صفحات اول و دوم آمده است.
- ۲۸ - حبل المتین، سال ۳۷، شماره ۴۷ و ۴۶، ص ۱.
- ۲۹ - حبل المتین، سال ۳۴، شماره ۲۰، ص ۱.
- ۳۰ - مجله خواندنیها، سال ۳۷، شماره ۳۰، ص ۴۲.
- ۳۱ - وحید دستگردی، محمد: حبل المتین، ارمغان، سال دوازدهم، آذر ۱۳۱۰ش، شماره ۹، ص ۱۳-۶۱۱.
- ۳۲ - حبل المتین، سال ۳۸، شماره ۴۱ و ۴۲، ص ۱.
- ۳۳ - وحید دستگردی، محمد: حبل المتین، ارمغان، دوره سی و ششم، آبان ۱۳۴۶، شماره ۸، ص ۴۰۰.
- ۳۴ - حبل المتین، سال ۳۴، شماره ۲۱، ص ۱.
- ۳۵ - حبل المتین، سال ۳۴، شماره ۲۲، ص ۱.
- ۳۶ - حبل المتین، سال ۳۴، شماره ۲۱، ص ۱.